

ویژگیهای عمل محکم

سهل انگاری، سست انگاری، تساهل و تسامح در علم و عمل، معقول و مقبول نیست. انسان باید دست‌آویز محکم داشته باشد...



سهل انگاری، سست انگاری، تساهل و تسامح در علم و عمل، معقول و مقبول نیست. انسان باید دست‌آویز محکم داشته باشد و در بخش‌های علمی و عملی به دنبال اتقان و احکام باشد، به همین جهت باید برخی از ویژگی‌های عمل محکم یادآوری شود: 1. سدید: قرآن کریم انسان را به قول سدید سفارش کرده است؛ نه قول شدید: و قولوا قولاً سدیداً. (1) گاهی انسان فریاد می‌زند و نعره و عریده می‌کشد که اینها قول شدید و بی‌اثر است. و قولوا قولاً سدیداً یعنی محکم و متقن و سد گونه سخن بگویند که قابل نفوذ یا جوج و مأجوج نباشد. اگر سدی بسازید، یا جوج و مأجوج طرد می‌شوند؛ اما اگر سخت‌ن سدید نباشد، یا جوج و مأجوج مغالطات در آن رخه می‌کند. این در حیطه تعلیم و تعلم و مسائل علمی است. 2. بنیان مرصوص: قرآن در مسائل عملی، انسان را به بنیان مرصوص سفارش می‌کند: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِينَ مَرصوص. (2) عمل اگر پشتوانه برهان علمی و پشتیبان اخلاص قلبی داشته باشد، مانند کاخی است که همه‌وسایل ساختمانی آن از سرب است؛ نه خود فرو می‌ریزد و نه با ابزار عادی می‌توان آن را فرو ریخت و اگر نه آن بود و نه این، مانند کثیفاً مهیلاً (3) (تیهای از ریگ روان) است. 3. عروة الوثقی: قرآن در مسائل علمی و عملی، انسان را به تمسک و توسل به حبل متین، استوار، ناگسستنی و شایسته اطمینان دعوت می‌کند: فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطُّغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَأَنْفِصَامَ لَهَا. (4) بحاله به «قول سدید» و «بنیان مرصوص» و «عروة الوثقی» همه برای این است که انسان در وادی علم و عمل به گونه‌ای باشد که یا جوج فتنه و مأجوج مغالطه به آن راه نیابد و در محدوده جهاد اصغر، اوسط و اکبر موفق باشد. اگر معاذالله در یکی از این محورها حرف سست عوامانه و تصمیم سست ریاکارانه راه یابد، این بنای ظاهراً مرصوص، در شرف انهدام قرار می‌گیرد. امیر مؤمنان (علیه‌السلام) فرمود: «الحجر الغصیب فی الدار رهن علی خرابها» (5)؛ اگر کسی دیواری را با سنگ غصیبی دیگران بسازد، صاحب آن می‌تواند آن سنگ را از این دیوار به درآورد، هر چند دیوار خراب شود، چون عین مالش موجود است. البته اگر برجی یا خانه‌ای ساخته شد که ضررش چندین برابر است، راه حل دیگری دارد. (6) از همین حدیث نورانی، مسئله‌ای اخلاقی و سیاسی و اجتماعی نیز برداشت می‌شود: اگر در انجمن و محفلی گروهی، فردی مزدور اجنبی و جاسوس بیگانه باشد، این انجمن و هیئت کارآمد نیست. انسان نیز در تصمیم‌گیری‌هایش که پیرو چند مقدمه است، اگر همه مقدمه‌ها صحیح و فقط یکی از آنها آلوده به مغالطه باشد، سنگی غصیبی است که تمام ساختار آن تصمیم‌گیری را به هم می‌زند؛ یا اگر نود درصد کاری را با اخلاص انجام دهد و ده درصد آن ریا باشد، این ده درصد به منزله سنگی غصیبی است که کل آن کار را به هم می‌زند. 4. واصل و خالص: ذات اقدس الهی، عمل «واصل» و «خالص» را می‌پذیرد. «واصل» درباره کم (مقدار) است و «خالص» راجع به کیف (چگونگی)؛ یعنی تمام اجزای عمل باید کاملاً خالص باشد تا خدا بپذیرد. واصل بودن عمل در آیه و له ما فی السموات والارض و له الدین و اصیباً (7) و خالص بودن آن در الا لله الدین الخالص (8) و فاعبد الله مخلصاً له الدین (9) آمده است. توضیح اینکه حق هرگز با باطل هماهنگ نمی‌شود: اگر اجزای عبادتی ترکیبی، تلفیقی از حق و باطل باشد، به گونه‌ای که بعضی از اجزای آن را باطل تأمین کند، سقف آن عبادت فرو می‌ریزد، پس تمام اجزای آن باید حق و عبادی باشد. همچنین به لحاظ کیفیت، اگر خلوص محض حاصل نشده باشد، چنین نیتی سودمند نیست. 5. عاری از تساهل و تسامح و ایهان و ادهان: اگر در اندیشه‌ای یا عملی، تسامح و تساهل راه یابد، مانند ویروسی آن را به هم می‌زند. مرحوم ابوالفتح رازی در جریان تغییر قبله بیان بسیار لطیفی دارد: «و جهودان بر وجه تالم گفتند که ایشان امید موافقت رسول می‌داشتند در بعضی چیزها و گمان ایشان چنان بود که روی به بیت المقدس کردن از طریق مسامحت و مساهلت است. می‌گفتند: امید است که با دین ما آید که در قبله، ما را مخالفت نمی‌کند.» (10) آنها فکر می‌کردند که این کار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از روی تساهل و تسامح است، در حالی که قرآن تساهل و تسامح دینی، فکری و اعتقادی را از حرم امن نبوت، رسالت، امامت، خلافت و انسانیت دور کرده است: و دوا لو تدهن فیدهنون. (11) آنها علاقه‌مندند که با «دهن» و روغن مالی کردن و با «وهن» و سستی، مسائل دینی و فرهنگی و اعتقادی را اجرا کنی تا آنها نیز سستی بوززند، در حالی که چنین نیست. انسان زمانی توانایی صادق دارد که اهل ادهان و ایهان و در مسائل دینی و اعتقادی، اهل تساهل و تسامح و غفلت نباشد. البته تغافل از تبهکاری‌های دیگران مطلب دیگری است. حضرت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) الگویی است که در مبارزه با ستم و کفر و الحاد، نه اهل ادهان بود و نه اهل ایهان: «و لعمری! ما علی من قتال من خالف الحق و خابط الغی من ادهان و لا ایهان.» (12) اگر ادهان و ایهان و تساهل و تسامح رخت بر بندد، حبل متین و عروه وثقی و قول سدید پدید می‌آید و چنین بنیان مرصوصی، قهراً سنگی غصیبی ندارد که ویران شود. این توانایی‌های صادق در جهاد اکبر، اوسط و اصغر ظهور می‌کند و در مسائل سیاسی و فرهنگی تجلی دارد و در عمران و آبادی زمین نیز خود را نشان می‌دهد و این ثمر ارجاع متشابه به محکم در تفسیر انسان به انسان است.

1. سوره احزاب، آیه 70.

2. سوره صف، آیه 4.

3. سوره مزمل، آیه 14.
4. سوره بقره، آیه 256.
5. نهج البلاغه، حکمت 240.
6. در استنباط فقهی از این حدیث، تأمل کافی لازم است، زیرا بعد از بررسی سباق و سیاق آن، باید سایر ادله نفی ضرر و مانند آن را ارزیابی کرد.
7. سوره نحل، آیه 52.
8. سوره زمر، آیه 3.
9. سوره زمر، آیه 2. 10.
- روض الجنان، ج2، ص196.
11. سوره قلم، آیه 9. 12.
- نهج البلاغه، خطبه 24. تفسیر انسان به انسان، ص333-337.